

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷ فروردین ۹۰

هفته‌ی دهم (تشریح شجره‌ی جان)

۲ جمادی الاول ۱۴۳۲ (هفته‌ی اول ماه جمادی الاول)

به نام قادر و توانایی که همواره جهان را بر پایه‌ی حق به گردش شبانه روز درآورد و هیچ قدرتی در آن مشارکت ننمود. آنچه را که آفرید فرمان‌برش شد و جان‌ها در مقابلش به خواری و کوچکی اعتراف نمود.

در بحث گذشته، از تمام گروه‌های سنی خواسته بودیم تا شجره‌ی جانشان را ترسیم کنند، اکنون قلب‌ها را از سینه خارج می‌کنیم تا پاسخگویان، به قلب از سینه درآمده‌شان بنگرند و حیران قدرتی شوند که همواره با آنان است ولی فراموشش می‌کنند تا در سرداب‌های نفس اماره به چرا مشغول شوند و سر را پایین بیندازند تا در مزرعه‌ای که شیطان در آن سرسبزی به وجود آورده بچرند و شکمشان را آماده‌ی آتشی کنند که به دست خود برافروخته‌اند.

قلب به‌عنوان ریشه‌ی درخت است که تغذیه را به عهده دارد، اگر نتواند اعضاء و جوارح را از اکسیژن خالص تغذیه کند، زندگی به اتمام می‌رسد و مرگ منتظر انسان. پس اساسی‌ترین عضو است. شاگردان سایت، آنان که توانسته‌اند متوجه‌ی این مطلب شوند که آنچه ذخیره می‌کنند از عواطف، نسبت به خودشان و آینده‌ای که به سرعت به آنان نزدیک می‌شود تا آیینی جانشان را در معرض امتحان‌های سخت قرار دهد، ضربان قلبشان تغییر کرده و دیگر بی‌هدف نمی‌زند، بلکه در هر ضربانی نجاتی را می‌جوید که منتظرش است، نگران فردا نمی‌شود، نگران لحظه‌ای است که ضربان حیاتش بی‌هدف او را وادار به روزمرگی تکراری کند و جام جانش را از وعده‌های قرآن کریم به برهوتی خشک و بی‌حاصل بدل نماید پس مراقب ریشه است که در مخزن اسرار سینه جای دارد و شاخه، اتکاء به بدنه دارد. بدنه، همت است. همتی که پایه‌ی درخت جان است. هر روز که خورشید طلوع می‌کند، جان‌ها برمی‌خیزند تا زنده بودنشان را امتحان کنند، جبر دارند برای حفظ زندگی مادی غذا بخورند، حتی اگر

جرعه‌ای آب باشد پس نیاز وادارشان می‌کند تا خواسته‌ی خود را مورد بررسی قرار دهند و بدون نظر خواهی برخیزند تا فرمان جانشان را اطاعت کنند، حالا ریشه و بدنه در یک راستا در حرکت‌اند تا شاخه و فکر را که سر درخت است تأمین انرژی کنند، چشم‌ها باز می‌شود، دست‌ها و پاها به حرکت در می‌آید، ضربان حیات نواخته شده تا روزی دیگر آغاز گردد، مرتباً به مغزش مراجعه می‌کند تا فرمول‌ها را حفظ کند ولی باز دچار فراموشی می‌شود، چرا با تأکیدهایی که به جانش کرده که: ای جان، مرا شرمنده نکن، چرا هر چه را که به تو می‌سپارم فراموش می‌کنی؟ باز چرخ زندگی‌اش دچار لنگی می‌شود؟ همان‌گونه که مشاهده کردید، یک درخت سالم و بدون آفت درختی است که ضربان زندگی‌اش با نور ولایت آغاز شود، ولایت نه به معنای امامت، ولایت به معنای سرپرستی پروردگار عالم که جهان را در تدبیر خلقتش اداره می‌کند و همگان رعیت او هستند تا از سر کرم و بزرگی‌اش توشه‌ی آنان را بدهد و نیازشان را برآورده فرماید.

حالا شکوفه‌ها را که سرعت جانشان از بقیه بیشتر است و سریع‌تر از سنین ذکر شده در معرض رشد قرار دارند و زمان برایشان محدودتر است:

شما شجره‌ی جانتان را با توجه به جوان بودنش ترسیم نموده‌اید پس فرصت تجربه برایتان فراهم است تا درختی استوار شوید و درختانی که تجربه‌ی کافی برای محکم شدن را با تخریب‌های موقتی کسب کرده‌اند، شجره‌ای را ترسیم نموده‌اند که اگر آسمان صاف باشد و خورشید همواره درخشان و باغبان آماده‌ی کار، آنان درخت خوبی خواهند شد و اگر غیر از این باشد اطمینانی برای حفظ خود ندارند پس بهترین سال‌های عمر که انسان باید بارِ عمرش را بر شاخه‌ی جانش به نمایش درآورد، در سرداب‌های شک و تردید نابود می‌شود.

و درختان پر شاخه‌ای که دیگر زمان بار آوردنشان به پایان رسیده و حالا پر پشت شده‌اند تا رهگذران در سایه‌ی آنان استراحت کنند و به زیبایی کسب کرده‌ی دوران بنگرند و با تحسین بگویند: عجب درخت با صلابتی.

شجره‌ی جانشان را به نحوی معرفی کرده‌اند که اگر نقاشِ ماهری استعداد کشیدن یک نقاشی زنده را داشت که دیگران یقین می‌کردند این درخت طبیعی است و تا دست به آن نمی‌کشیدند متوجه نمی‌شدند فقط عکس است تا چشم بیننده را در میدان سنجش قرار دهد و رنگ سبزی که پاییز را در خاطره‌ی فکر می‌کشد دیگر وجود ندارد باور کرده‌اند که قلب، ریشه را با جراحی‌هایش باید تغذیه کند، چون رهایی غیر ممکن است باید تا دیر نشده از تابلوی بی‌جان بیرون بیایند تا مایه‌ی آسایش باشند و آرامش را در فضای زندگی‌شان بگسترانند.

پس شاگردان سایت با تجربه‌ی سال‌های نوجوانی و جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی آشنا شدند، حالا باید در چهار چوب سنشان قوی شوند و همان‌گونه که قبلاً نیز تذکر داده شد این نعمت شناخت را محترم بشمارند تا زمان، شاهد دوستی‌شان باشد و آنان را در راه رسیدن به ایمانی محکم یاری کند.

ما در هفته‌ی آینده به درد دل‌هایی گوش می‌دهیم که با تجربه‌ی شناخت همراه باشد و هر گروهی با توجه به سن و نیازی که در وجودش حس می‌کند آن را منعکس کند.

شکر، بزرگ‌ترین نعمت است که معرفت را معنا می‌کند. سپاسگزار باشید تا نعمتتان افزونی یابد.

اللهم عجل لولیک الفرج